

تک فرزندی و بی‌فرزندی در ایران

پدیده‌ی تک‌فرزندی و بی‌فرزندی در ایران را صرفاً نمی‌توان نتیجه‌ی انتخاب فردی دانست، بلکه باید آن را بازتابی از آسیب‌های ساختاری در سه حوزه‌ی کلیدی اقتصاد، فرهنگ و اجتماع تلقی کرد. شرایط فعلی حاصل روندی است که از دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ آغاز شده و اکنون کشور را با چالش‌هایی همچون کاهش نرخ رشد جمعیت، پیری جمعیت، کمبود نیروی کار جوان و تهدید بنیان‌های اقتدار ملی مواجه ساخته است. هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری درباره لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی، نشان از عمق نگرانی نهادهای کلان تصمیم‌گیر دارد.

از منظر ساختاری، عوامل اقتصادی همچون نابرابری فرصت‌ها، عوامل فرهنگی مانند تغییر در الگوهای فرزندپروری، و عوامل اجتماعی نظیر فردگرایی افراطی، در کاهش تمایل به فرزندآوری نقش دارند. بنابراین، مقابله با بحران جمعیت نیازمند راهکارهایی جامع و میان‌بخشی است که شامل تأمین امنیت اقتصادی، بازسازی هنجارهای فرهنگی حمایت‌محور و اصلاح ساختارهای نهادی مرتبط با فرزندآوری می‌شود.

بر اساس نتایج پیمایش ملی خانواده، حدود ۳۰ درصد از افراد بدون فرزند، تمایلی به فرزندآوری ندارند. دلایلی چون نگرانی از هزینه‌های فرزندپروری، چالش‌های آینده‌نگر، مسئولیت‌گریزی، فشارهای شغلی، اختلال در روابط همسران و مسائل مرتبط با سلامت، از جمله مهم‌ترین عوامل این تصمیم‌اند. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که افزایش سن، تحصیلات بالا و تغییر اولویت‌های فردی احتمال بی‌فرزندی را افزایش می‌دهد، در حالی که عواملی مانند شهرنشینی متوازن، بهبود مشارکت اقتصادی زنان و کاهش بیکاری می‌توانند در جهت عکس عمل کنند.

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نیز حاکی از آن است که محدودیت‌های اجتماعی و زناشویی، هزینه‌های بالای نگهداری فرزندان و مخاطرات بارداری برای زنان، دلایل عمده‌ی بی‌فرزندی داوطلبانه هستند. در پژوهشی کیفی در سال ۱۳۹۷، زنان متأهل تهرانی با وجود قائل بودن ارزش ذاتی برای فرزند، تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری را بر اساس عقلانیت فردی و کیفیت رابطه زناشویی خود اتخاذ کرده‌اند.

مطالعه‌ای دیگر که بر روی ۳۳ زوج تهرانی صورت گرفت، نشان داد که عواملی نظیر جامعه‌ی پرمخاطره، تجربه‌های منفی والدین، پوچ‌انگاری، افزایش سن ازدواج، کاهش منابع طبیعی و نبود حمایت اجتماعی، از دلایل مهم بی‌فرزندی هستند. همچنین در بررسی‌هایی در شش شهر کشور، بی‌فرزندی عمدتاً ناشی از تجربیات منفی مستقیم از محیط سیاسی و اجتماعی گزارش شده است.

مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵، نرخ تک‌فرزندی در بین زنان ۴۰ تا ۵۰ ساله بین ۸ تا ۱۲ درصد متغیر است. اما این داده‌ها، بازتاب‌دهنده‌ی شرایط باروری در دهه ۱۳۶۰ هستند و برای تحلیل وضعیت کنونی کافی نیستند؛ به همین دلیل، انتظار می‌رود سرشماری‌های جدید، افزایش معناداری را در میزان تک‌فرزندی نشان دهند.

جالب آن‌که، برخلاف تصور عمومی، دانشجویان کمترین تمایل به بی‌فرزندی را داشته‌اند و اکثراً خواستار داشتن سه فرزند یا بیشتر بوده‌اند. در مقابل، افراد شاغل و بیکار بیشترین گرایش به بی‌فرزندی را نشان داده‌اند.

تحلیل‌های آماری رابطه‌ی معناداری میان سطح تحصیلات و گرایش به فرزندآوری نشان داده‌اند. افراد بی‌سواد در عین تمایل بالاتر به بی‌فرزندی، بیشترین گرایش به داشتن فرزندان زیاد را نیز داشته‌اند. در حالی که تحصیل‌کردگان دانشگاهی، نه تنها تمایل کمتری به داشتن سه فرزند یا بیشتر دارند، بلکه گرایش به تک‌فرزندی نیز در میان آن‌ها کمتر است.

ساکنان مناطق شهری نسبت به روستاییان تمایل کمتری به داشتن فرزند دارند؛ به طور مشخص، ۲۰ درصد شهرنشینان تمایل به داشتن کمتر از دو فرزند داشته‌اند، در مقایسه با ۱۲.۵ درصد در روستاها. این تفاوت، در کنار سایر متغیرهایی چون سن ازدواج، جنسیت، مذهب، وضعیت اشتغال و قومیت، در تمایل به کم‌فرزندآوری تأثیرگذار بوده‌اند. به طور مثال، مردان ۴۶.۹ درصد بیشتر از زنان تمایل به داشتن کمتر از دو فرزند دارند و این احتمال در میان شاغلان و پیروان تشیع نیز بیشتر است.

در تحلیل دیگری، مشخص شد افرادی که ازدواج فامیلی داشته‌اند، کمتر از دیگران گرایش به بی‌فرزندی یا تک‌فرزندی دارند. همچنین، رابطه‌ای معکوس بین مشارکت در مناسک مذهبی و تمایل به فرزند کمتر دیده می‌شود؛ به طوری که افراد مذهبی گرایش بیشتری به داشتن دو فرزند و بیشتر دارند.

نکته‌ی مهم آن‌که، همه‌ی افراد بی‌فرزند این وضعیت را از روی انتخاب تجربه نمی‌کنند. برخی به دلایل اقتصادی یا ناتوانی در دسترسی به فناوری‌های نوین باروری مانند IVF، از فرزندآوری محروم مانده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، بی‌فرزندی اغلب نتیجه‌ی ناباروری، فقر، یا موانع فرهنگی و اجتماعی است. بنابراین، افزایش دسترسی به خدمات بهداشت باروری و توانمندسازی فرهنگی، نقش مهمی در کاهش بی‌فرزندی ناخواسته خواهد داشت.

توانمندسازی اقتصادی جوانان باید فراتر از اعطای مشوق‌های مقطعی باشد. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، امنیت شغلی و امکان ارتقای اقتصادی، پیش‌نیازهای اساسی برای تقویت تمایل به فرزندآوری‌اند. تجربه نشان داده است که مشوق‌های مالی صرف، در بلندمدت تأثیر پایداری نداشته و حتی می‌توانند با ایجاد وابستگی و ناامنی مالی، اثر معکوس بر جای بگذارند.

اگرچه نظریه‌های جمعیت‌شناسی انتظار دارند در جوامع با درآمد بالا، تمایل به فرزند بیشتر باشد، اما واقعیت‌هایی چون شیوه‌های زندگی جدید، گسترش فردگرایی و بازتعریف رضایت خانوادگی، الگوی متفاوتی را رقم زده‌اند. در کلان‌شهرهایی مانند تهران، تک‌فرزندی به یک انتخاب آگاهانه بدل شده، پدیده‌ای که گرچه در ظاهر مثبت تلقی می‌شود، اما می‌تواند پیامدهایی چون انزوای کودکان و تضعیف سرمایه اجتماعی در نسل آینده را به همراه داشته باشد.

در نهایت، بحران جمعیت نه صرفاً یک مسئله آماری، بلکه بازتابی از ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که بدون رویکردی راهبردی و همه‌جانبه، نمی‌توان با آن مقابله کرد.

منبع: [ایرنا](#)

نویسنده : سید علی مدد زیدی، تاریخ ارسال : شنبه 6 اردیبهشت 1404 ساعت 8:36 بعد از ظهر